قدس
رواق
ویژه‌فرهنگ‌ومعارف‌رضوی
| سال دوم | ویژه نامه ۳۳۶ |

حجت‌الاسلام واعظ موسوی از شاخصه‌های علمی آیت‌الله فاطمی‌نیا می‌گوید

سطح منبر را ارتقا داد

۳

در نشست تخصصی نمایشگاه کتاب تهران بررسی می‌شود

راهکارهای توسعه انتشارات آستان قدس رضوی در عرصه بین‌الملل

۴

روایت آیت‌الله فاطمی‌نیا از عطوفت و رأفت امام رضا(ع) چه بود؟

راوی مکتب «احسان و محبت»

۲

توصیه آیت‌الله فاطمی‌نیا به وعاظ و مداحان چه بود؟

حاصل ۵۰ سال منبر رفتن

۳

نگاهی به زندگی و شخصیت مرحوم آیت‌الله فاطمی‌نیا

عارف شیرین سخن

۲

مهدیه غفوریان_عکس رضوی

دقایقی همراه با خادمان خواهر حرم حضرت رضا(ع)

بانوان بلندهمت

از هر ورودی که پا به صحن و سرای حرم آقا بگذاری خدمه‌ای را می‌بینی که در کمال تواضع و با چهره‌هایی بشاش در حال انجام وظیفه‌اند. یکی مأمور انتظامات است و دیگری کفشدار. به گرمی پاسخ سلامت را می‌دهند و حضورت را خوشامد می‌گویند. برایشان فرقی نمی‌کند که در کجا مشغول خدمت هستند؛ چوب‌پر به دست بگیرند و به زائران خوشامد بگویند و یا در حال جمع‌آوری گرد و غبار یا پوست شکلاتی که احتمالاً از دست کودکی به زمین افتاده. اگر بیرون از این مکان دارای پست و مقامی باشند اما اینجا که می‌آیند کسی برای خود عنوان و سمتی قائل نیست.«صفیه خانی» از خادمیاران ...

۴

سنت استقبال و بدرقه زائران ثامن‌الحجج(ع) از چه دورانی رواج پیدا کرد؟

تاریخ هزار ساله مراسم تکریم زائران

محمد حسین نیکبخت | از قدیم «مشهدی» یا «مَشْدی» به کسانی می‌گفتند که افتخار سفر به مشهد مقدس و زیارت بارگاه ملکوتی ثامن‌الحجج(ع) را داشته یا اینکه مجاور آن آستان مقدس بوده‌اند. در فرهنگ ایرانیان، از دیرباز شأن زائر امام رضا(ع)، عالی و جایگاه وی به دلیل یافتن افتخار عتبه‌بوسی آن امام همام، رفیع بوده است. هنوز هم در بسیاری از شهرها و روستاهای ایران، رد و نشانی از مراسمی که برخی آن را «چاوُش‌خوانی» می‌نامند، وجود دارد؛ مراسمی که برای زائران بیت‌الله الحرام، کربلای معلی و نجف اشرف و همچنین زائران امام رضا(ع) برپا می‌شود؛ خانواده، قوم، خویش و همسایه‌ها به پیشواز زائر بازگشته از سفر می‌روند یا در مراسم بدرقه او شرکت می‌کنند؛ یک مداح خوش‌صدا، اشعاری را در مدح اهل‌بیت(ع) می‌خواند که معمولاً در برگیرنده محتوای مناسب با مکان زیارت زائر است. برخی از مورخان، این مراسم خاص و ویژه را که برای تکریم جایگاه زائر ترتیب داده می‌شود، مربوط به سده‌های اخیر می‌دانند، در حالی که شواهد تاریخی، جز این است و می‌شود ردپای چنین برنامه‌های معنوی‌ای را دست‌کم تا هزار سال قبل پی گرفت.

■ گزارش شیخ صدوق

شیخ صدوق در کتاب ارجمند «عیون اخبارالرضا(ع)» ضمن بیان ارج و قرب زائر حرم رضوی، اشاراتی به برخی مراسم دوران معاصر خودش (یعنی حدود هزار سال پیش) دارد؛ بر پایه گزارش او و البته آنچه درباره سفر زیارتی‌اش به مشهد آورده است، زائر پیش از عزیمت به مشهد، به دیدار دوستان و آشنایان می‌رفت و از آن‌ها حلالیت می‌طلبید؛ البته خداحافظی برای عزیمت به سفر، امری عادی بود، اما معمولاً خویشان و آشنایان پیش از آغاز سفر زیارتی، از زائر التماس دعا داشتند و از وی برای عرض حاجت در حرم مطهر قول می‌گرفتند. چنان‌که رکن‌الدوله دیلمی در دیدار خداحافظی شیخ صدوق، از وی قول گرفت سلامش را به امام رضا(ع) برساند و حاجاتش را نزد آن حضرت مطرح کند. نمونه‌های متعددی از چنین رفتارهایی در کتاب‌های تاریخی دوره‌های بعد به ویژه از عصر تیموری به این سو قابل مشاهده است. زائر پس از بازگشت نیز باید گزارشی از ارائه عرض حال دوستان و آشنایان به حضرت ثامن‌الحجج(ع) می‌داد و آن‌ها را با گفتن این روایت، خوشحال و خرسند می‌کرد.

■ گزارش ویژه یک جهانگرد اسپانیایی

یکی از نمونه‌های جذاب در این زمینه را می‌توان در سفرنامه «کلاویخو»، جهانگرد اسپانیایی که در سال ۸۰۷ق / ۷۸۳ش برای دیدار با اُمرای تیموری وارد ایران شد و از شهر مشهد نیز عبور کرد، دید. او درباره وضعیت شهر مشهد و حرمت زائران حرم رضوی می‌نویسد: «راندیم تا رسیدیم به شهر مشهد یعنی محل شهادت امام رضا که به نام سلطان خراسان مشهور است و آرامگاهش در آنجا قرار دارد ... وی در مسجدی بزرگ و در تابوتی (صندوقی) که در نقره و طلا گرفته شده، مدفون است. مشهد شهر عمده زیارتی همه این حوالی است و سالانه گروه بی‌شماری به زیارت می‌آیند. هر زائری که به آنجا رفته باشد چون بازگردد همسایگانش نزد او می‌آیند و لبه قبای وی را می‌بوسند، چون دریافته‌اند که وی از زیارت چنین محل محترمی بازگشته است. چون به این شهر رسیدیم، ما را برای زیارت این مکان مقدس و آرامگاه بردند. سپس چون در ایران راه می‌پیمودیم و بر سر زبان‌ها افتاده بود که ما به زیارت مشهد مشرف شده و آن مکان مقدس را دیده‌ایم، مردم همه می‌آمدند و لبه قبای ما را بوسه می‌زدند». گزارش کلاویخو مربوط به حدود ۶۱۸ سال پیش است و اطلاعات عجیب و تکان‌دهنده‌ای را در بر می‌گیرد. در این دوره، مذهب شیعه هنوز مذهب رسمی کشور نیست، اما حرمت زائر امام رضا(ع) در اقصی نقاط ایران رعایت می‌شود و با وی بسان مرد محترمی که از حج برگشته باشد، برخورد می‌کنند. نکته دیگر، شهرت امام رضا(ع) به «سلطان خراسان» است که خبر از قدمت این لقب می‌دهد و نشان‌دهنده این است که اطلاق این عنوان به آن حضرت، مربوط به دوران قدرت گرفتن صفویه در ایران نیست. روایت کلاویخو نشان می‌دهد تکریم جایگاه زائر در قالب مراسم‌های خاص و برگزاری آن‌ها در شهرهای مختلف، ابداً سنتی تازه تأسیس یا مربوط به چند قرن گذشته و ایام رسمی شدن مذهب حقه شیعه در ایران نیست و اجداد ما صرف نظر از هر مذهب اسلامی‌ای که داشته‌اند، از دیرباز برای زائران حرم رضوی احترام ویژه قائل بودند و برای تکریم وی، برنامه‌های خاص تدارک می‌دیدند. بنابراین، آنچه امروز در شهرها و روستاهای دور و نزدیک در این زمینه می‌بینید، ریشه در سنتی دست‌کم هزار ساله دارد که احیای آن می‌تواند نقش مهمی در توسعه فرهنگ رضوی و اهتمام به فرهنگ زیارت در اقصی نقاط ایران و حتی جهان داشته باشد.

گویده

زائر پیش از عزیمت به مشهد، به دیدار دوستان و آشنایان می‌رفت و از آن‌ها حلالیت می‌طلبید؛ البته خداحافظی برای عزیمت به سفر، امری عادی بود، اما معمولاً خویشان و آشنایان پیش از آغاز سفر زیارتی، از زائر التماس دعا داشتند و از وی برای عرض حاجت در حرم مطهر قول می‌گرفتند.

خبر

پیام تسلیت تولیت آستان قدس رضوی

خدمت در بارگاه رضوی از افتخارات آیت‌الله فاطمی‌نیا بود

تولیت آستان قدس رضوی در پیامی، درگذشت استاد برجسته اخلاق و خطیب فاضل حجت‌الاسلام والمسلمین فاطمی‌نیا را تسلیت گفت.

متن پیام حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مروی به این شرح است:

انا لله و انا الیه راجعون

ارتحال استاد برجسته اخلاق و عرفان و خطیب فاضل حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین فاطمی‌نیا رضوان‌الله علیه، موجب تأثر گردید.

این عالم ربانی و متواضع عمر بابرکت خویش را صرف تبلیغ اسلام و ترویج تعالیم نورانی اهل‌بیت علیهم‌السلام در سنگر وعظ و خطابه نمود و به طور قطع ولایتمداری، گفتار نیك و سلوك علمی و اخلاقی ایشان در هدایت مردم به سوی ارزش‌های الهی، توشه گرانسنگ در محضر الهی و یاد و خاطره آن مرد بزرگ را در صفحه روزگار ماندگار خواهد کرد.

خدمت در بارگاه منور رضوی نیز یکی از افتخارات بزرگ این عالم وارسته و خطیب توانا بود که برگ زرین دیگری در کارنامه ایشان و ذخیره ارزشمندی برای آخرت خواهد بود.

ضمن عرض تسلیت به محضر حضرت ولی‌عصر ارواحنا فداه، رهبر معظم انقلاب اسلامی، دوستان و ارادتمندان به ویژه خاندان گرامی ایشان، در جوار مضجع منور و شریف حضرت ثامن‌الحجج علیه آلاف التحیة والثناء برای آن خادم بااخلاص اهل‌بیت(ع) از درگاه ایزد منّان علو درجه و رضوان الهی و برای بازماندگان محترم شکیبایی و پاداش معنوی مسئلت می‌نمایم.

منبر مجازی

قلبی را شاد کن

آیت‌الله فاطمی‌نیا | همه ما امید حیات داریم. باید به زندگی امید معقول داشت. امید معقول غیر از آرزوهای هیچ و پوچ است. شما در آرزوی کار معقولی باشید مثلاً کاری کنید؛ خیریه بسازید. مدرسه بسازید. آرزوی باقیات صالحات و... دارید. آرزوی معقول (امل) دارید. ان‌شاءالله به نتیجه برسید. در نهج‌البلاغه آمده است: «الا و انکم فی ایام امل من ورائه اجل» اما بدانید آخرش اجل است.

این را در نظر بگیرید، از این ایام استفاده کنید. هر کس در همین مهلتی که دارد کاری که قبل از اجلش انجام دهد به او سود می‌رسد و اجل هم ضرری به او نمی‌رساند. کسی در این ایام آرزوی کوتاهی کند مثلاً فقط بخورد و بخوابد در عملش زیانکار شده است. بعضی‌ها از عمرشان خیلی استفاده کردند. سیدرضی ۴۳-۴۲ سال بیشتر در این دنیا زندگی نکرده است. این آدم در این عمر کم چقدر کار کرده است.

انسان مادی فکر می‌کند مردیم تمام شد خیر! مردن تمام شدن نیست. مردن به گشایش رسیدن و از قفس پریدن است. صاحب نفوس مستعده که می‌میرند دستشان از این دنیا بازتر است. وهابی‌ها نمی‌فهمند که می‌گویند سر این قبرها می‌آیید چه کار کنید؟ اهل تحقیق گفته‌اند صاحب نفوس مستعد دستشان بازتر است.

فرض کنید مسجد و حسینیه را می‌خواهند نقاشی کنند؛ بشکه و تخته و سطل می‌گذارند کسی می‌خواهد بیاید می‌گویند آن طرفتر بایست. وقتی این تیر و تخته را بیرون بردند دستشان بازتر می‌شود. بنده می‌دانم یقیناً این طور است؛ آنجا عالم کشف غطاء است. اینجا عالم گرفتاری است.

روایتی دیدم از ثواب‌الاعمال شیخ صدوق (رضوان الله علیه) نقل شده است که می‌فرماید: وقتی مؤمن را در قبر می‌گذارند، صورت زیبایی وارد قبر می‌شود. می‌گوید: بستگانت تو را گذاشته‌اند و رفته‌اند، نترس! من با تو هستم. این صورت زیبا با او صحبت می‌کند در طول برزخ و انس می‌گیرد. قیامت می‌شود مؤمن از قبر بیرون می‌آید دوباره صورت زیبا می‌گوید از سروصداهای هولناک نترس! من با تو هستم تا آنکه صورت زیبا او را به بهشت می‌رساند این گفتار از حضرت صادق(ع) است. در آخر کار مؤمن می‌گوید تو چه کسی بودی؟ خدا رحمتت کند! می‌فرماید: «انا السرورالذی ادخلت فی قلب اخیک المؤمن» می‌گوید من آن شادی بودم که در قلب برادر مؤمنت وارد کردی.

نیمکت زندگی

خداحافظ «شیخِ خدا»

رقیه توسلی | می‌نشینم و نگاهش می‌کنم. خبر است. نه مثل ده‌ها و صدها خبری که در طول روز هول هولی یا می‌جومشان یا به روخوانیِ تیترشان بسنده کرده، رد می‌کنم بروند. عکس خبر جار می‌زند؛ غمی از نو، غمی از نو...

چشم می‌بندم و تمرکز می‌کنم تا صدای «حاج‌آقا فاطمی‌نیا» بپیچد توی سرم. همان کلمات محترم و مهربانی و جملات ارجمندی که برای موعظه و خطابه لایق پامنبری‌ها می‌دانست.

نمی‌دانم از کجا صدای دعای ابوحمزه می‌آید... مسافر زمان شدم انگار و برگشته‌ام به گذشته‌ها. سحر است و مادرم پیچ رادیو ترانزیستوری را باز کرده و چلوخورشت تیار می‌کند. به گمانم ماه رمضان سال هفتاد و پنج یا کمی عقب‌تر باشد. مادرم مفاتیح به دست می‌چرخد توی نور ملایم آشپزخانه و گوشش پیش دعاست که خانه را روشن کرده. صدای خاص آقا سیدعبدالله.

پدر، خواهرم و برادرها هم می‌آیند تا عقب نمانند از قافله رازونیاز. آخ که فقط خدا می‌داند ما با گرمای کلام شما جناب فاطمی‌نیا چه رمضان‌های قشنگی را که تجربه نکردیم. مهربانی شما را، ما بچه‌ها و نوجوان‌ها خیلی دوست داشتیم. آن قدر که صداتان می‌کردیم شیخ خدا. اصلاً به خاطر مرام و ملاحت شما بود که با جان و دل، ابوحمزه ثمالی می‌خواندیم. می‌نشستیم گرد هم که بخوانید؛ اللّٰهُمَّ أَنْتَ الْقائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ صِدْق، إِنَّ اللّٰهَ كانَ بِكُمْ رَحِيماً وَلَيْسَ مِنْ صِفاتِكَ و ما فکر کنیم به معنی‌اش ...که شیفته درس دین بشویم. بعد، فرداشب دوباره ساعتی مانده به اذان همراهتان بیاییم دور رادیو. که شما باز خوشرو و متین، خدا را صدا بزنید و ما یاد بگیریم اهل عبادت چقدر مردمان نازنین و آرامی‌اند.دوباره چشم باز می‌کنم وسط بغض تلخ و شیرین. وسط خبر رحلت استاد. این بار اما با طمأنینه به خودم نهیب می‌زنم؛ پامنبری یکهزارم مراد و مرشدش، باید دلآرام باشد!

پی‌نوشت

«شاید هم خاک از اینکه مقربان و نیکان را با خود یکی کرده، این چنین بوی خوبی می‌دهد...».

خیرالمؤمنین من کان مالفه للمؤمنین و لاخیر فیمن لا یالف و لا یولف

بهترین مؤمنان کسی است که با مؤمنان اُنس بگیرد و کسی که انس نگیرد و انس نپذیرد، خیری در او نیست.

نیم نگاه

استاد به روایت شاگرد

همیشه می‌گفت «از خدا طلبکار نیستیم»

حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسین فتحی، مدیر مؤسسه هنر و ادبیات هلال که نزدیک به سه دهه از محضر آیت‌الله فاطمی‌نیا بهره برده است، درباره شخصیت اخلاقی و علمی ایشان نکاتی را به خبرگزاری ایکنا گفته که در ادامه می‌خوانید.

جمله معروفش این بود «ما طلبکار خدا نیستیم». در شرایطی که خودش می‌گوید، همسرش مریض بود، فرزندش هم سرطان داشت و کماکان درگیر بیماری است و همه خانواده در یک گرفتاری شدید قرار داشتند، وقتی فرزند ایشان می‌گوید این چه وضعی است که داریم، ایشان پاسخ می‌دهد: «بهترین وضع را داریم، مگر از خدا طلبکاریم؟» این‌ها گمشده‌های ماست. به نظرم آقای فاطمی‌نیا گیر انداخته بود. وقتی شما از این مرحله رد شوی با ملائکه و انبیا و اولیا همنشین هستی. ایشان در آن حس و حال بود. وقتی اسم بزرگانی را که دیده بود می‌آورد طوری صحبت می‌کرد و درباره‌شان نکته می‌گفت انگار با آن‌ها زیسته و زندگی کرده است، یعنی ذهن و ضمیرش مملو از زندگی و تاریخ بزرگان بود. همین طوری چیزهایی که در اساتیدش مشاهده کرده بود از وجودش فوران می‌کرد. به خصوص اساتیدش از محضر آیت‌الله بهاءالدینی استفاده کرده بود و به ایشان نزدیک بود. خودش می‌فرمود: من خودم روضه‌خوان هستم. روضه‌خوانی موقعیت‌های سختی دارد. وقتی می‌خواهید از اتفاقاتی که افتاده به‌خصوص فقط خاطره و داستان نمی‌گفت، بلکه به ابتهاج و وجدی می‌رسید که انگار دارد با تمام وجودش با آن‌ها زندگی می‌کند.

■ **لطافت‌های یک روضه‌خوان**

ایشان بسیار لطیف بود. کمتر کسی به لطافت ایشان دیده‌ام. من خودم روضه‌خوان هستم. روضه‌خوانی موقعیت‌های سختی دارد. وقتی می‌خواهید از اتفاقاتی که افتاده به‌خصوص در مورد عاشورا صحبت کنید خیلی سخت است. این همه سال که در محضر ایشان بودیم لطافتش اجازه نمی‌داد نه در خودش وارد موضوع شود و نه کسانی که کنارش بودند. هر وقت می‌خواستیم در محضر ایشان نوحه بخوانیم یا اشاره دست می‌گفت این را نگو. بعد که صحبت می‌کردیم، می‌گفت من نمی‌گویم این حرف‌ها درنوع آدمی و آلم چطور می‌تواند بیان کند. این از لطافت ایشان بود. واقعاً اعتقاد داشت در مجالسی که برگزار می‌شود حضرات معصومین حضور دارند. گاهی به بنده تذکر می‌داد آدم جلو امام زمان(عج) این حرف را می‌زند؟ مثلاً در ایام فاطمیه می‌گفت: آدم چطور می‌تواند در مورد مادر امام زمان(عج) این حرف را بزند؟ این لطافت واقعی بود. یک موقع شاید ما ادا درمی‌آوردیم ولی ایشان حدود ۳۰ سال این روحیه را داشت. ایشان از حدود دهه ۷۰ که ۳۰ شب ماه رمضان در مهدیه تهران منبر می‌رفت و حاج منصور ارضی هم بعد از ایشان مناجات می‌خواند، از همان سال‌ها که در مجالس تهران منبر داشت و در مجالس بزرگان حاضر می‌شد این روحیه را داشت و این لطافت همیشه با ایشان بود.

■ **این طرز قرآن را به دست بگیرید...**

یک نکته‌ای که از زبان ایشان درباره قرآن شنیدم این بود که از علامه طباطبایی نقل می‌کردند: وقتی می‌خواهید قرآن بخوانید بدانید قرآن کلام خداست و خدا دارد با شما صحبت می‌کند؛ یعنی با این رویکرد کتاب خدا را دست بگیرید که انگار می‌خواهید با خدا صحبت کنید. یک نکته دیگر اینکه می‌گفتند: سیر انسان در معارف و به سوی خداوند با همین قرائت ساده قرآن حاصل می‌شود و همین قرائت ساده شما را اوج می‌برد و هر آیه را مانند یک نردبان است که شما به واسطه آن یک سطحی از معارف را طی می‌کنید.

موعظه

مرحوم آیت‌الله فاطمی‌نیا

اگر یقین نداشتم نمی‌گفتم

آیت‌الله فاطمی‌نیا از جمله اساتید اخلاق و روحانیون مشهوری بود که در دفاع از انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی و رهبر معظم انقلاب اسلامی به دفعات گوناگون سخن گفته و اعلام موضع کرده بود. آنچه در ادامه می‌خوانید متن یکی از سخنان ایشان است.

امشب در ختام این مجلس برایتان می‌گویم، بنده روی منبر امام حسین(ع)، در حال نقد، این که در مجلس حضرت زهرا(س) اگر چیزی را یقین نکنم، نمی‌گویم. بدانید و آگاه باشید هر کس کوچک‌ترین حرفی در تضعیف مقام رهبری بزند، هر کس دستنشان داشته باشد که ضد مقام رهبری باشد، خدا او را نخواهد بخشید. این را یقین بدانید.

قدردان رهبر باشید! اگر افکار پاشیده‌ای، پوسیده‌ای به شما عرضه کردند، قبول نکنید! این مرد بزرگ عزّ اسلام است و هر کس با این مرد آبروی اسلام است، عزّ اسلام است، این فرزند حضرت زهرا(س)، بخواهد مخالفت کند عاقبت بخیر نمی‌شود! حواستان باشد؛ یک چیزی می‌دانم و می‌گویم امروز از او جیب واجبات یکپارچگی و تأیید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است. جوان‌ها یک وقت افکار تان را این طرف و آن طرف نکنید. کسی گوش به حرف کسی بدهد و خدای نکرده به رهبر باشد. فلان کسی چنین چیزی گفت. فلان روزنامه هم چنین چیزی نوشت، گوش ندهید. گوشتان به رهبر باشد. خدا یا به حق زهرای مرضیه (س) این رهبر را حفظ کن. خدایا ما را قدردانش قرار بده! این را سر سینه گفتم. گفت «العاقل یکفیه الاشاره» یک چیزی را می‌دانم عرض می‌کنم، مدعی علم غیب نیستم. هیچی نیستم. یک کودک نادانم، ولی بفضل الله و کرمه که یک معیارهایی در دست دارم که بر مبنای آن می‌دانم کسی مخالفت با این مرد بکند و توبه هم نکند خدا او را

نمی‌بخشد، مگر توبه کند. یک عده با امام مخالفت کردند، امام آقای اراکی، شیخ‌الفقهاست، وقتی می‌رفت خدمت امام، دم در می‌ایستاد می‌گفت: السلام علیک یابن رسول الله‌یی انت و امی، آن وقت داخل می‌شد. الان یادگار آن مرد، این بزرگوار است.

به دیدن کسی رود تا یکدیگر را دوست داشته باشید و دست یکدیگر را بفشارید و به هم خشم نگیرید.

دیدگاه

روایت آیت‌الله فاطمی‌نیا از عطوفت و رأفت امام رضا(ع) چه بود؟

راوی مکتب «احسان و محبت»

نیکوکار | برخی مشایخ عرفانی می‌گویند ذکر حضرت امام رضا(ع) «یا رئوف یا رحیم» بوده است و به باور بعضی یاد امام هشتم(ع) را پایه‌گذار مکتب «محبت و احسان» دانست، چرا که بیشترین ترویج این نظریه از طریق این حضرت بوده و به همین دلیل نیز امام رضا(ع) را به امام رئوف می‌شناسیم. اشاره به رأفت و عطوفت حضرت رضا(ع) یکی از محورهای همیشگی سخنرانی‌های مرحوم آیت‌الله سیدعبدالله فاطمی‌نیا بوده است. همزمان با درگذشت این عالم بزرگوار، گزیده‌هایی از مجموعه سه‌جلدی «گفته‌ها از نکته‌ها» که متن سخنرانی‌های آیت‌الله فاطمی‌نیا در مشهد مقدس است را با همین محور انتخاب کردیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

■ **همین که وارد حرم می‌شوی...**

علامه سیدمحسن حسین طباطبایی، صاحب تفسیر جلیل القدر و بی‌نظیر «المیزان» جمله‌ای در مورد حضرت فرمودند که حقا نیاز به یک کتاب شرح دارد!

فرمودند: همه ائمه، رئوف‌اند ولی رأفت امام رضا(ع) حسی است. همین که وارد حرم می‌شوی می‌فهمی که حضرت رئوف است!

■ **یک میلیون حج!**

هر کس حرم حضرت رضا(ع) مشرف می‌شود، یقین بداند تنوی کاسه‌اش چیزی می‌ریزند... منتها وقتی چرخ، عرض حجاب و توسل کردی، منتظر باش آن‌ها هر چه بریزند تنوی پیاله!

برحسب روایات معتبر، یک سلام به حضرت رضا(ع) ثواب یک میلیون حج دارد!

■ **در حرم چه کنم؟**

در خدمت آقای بهجت بودم؛ شخصی آمد و گفت: می‌خواهم بروم حرم؛ چکار کنم، توصیه‌ای می‌فرمایید؟! فرمودند: من بیشتر از آنچه در مفاتیح نوشته بلد نیستم؛ اما وقتی می‌روید آنجا، اتصال قلب به لسان باشد! [یعنی توجه و حضور قلب داشته باشید و لدنتان همراه زبان و گفتارتان باشد.]

■ **عنایت مستقل به زائر**

یکی از اولیای خدا در کشف دیده بود حضرت رضا(ع) به تمام زائرانش مستقلاً عنایت دارد. آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری(رضوان الله تعالی علیه) مؤسس حوزه علمیه قم و استاد بسیاری از شخصیت‌های بزرگ اسلامی بودند. پسر از رحلتشان آن بزرگوار را در خواب دیده بودند. فرموده بود: من ۳۶ مرتبه به مشهد مشرف شده بودم و حضرت رضا(ع) هم ۳۶ مرتبه به دیدن من آمدند.

■ **عنایت ویژه**

در مشهد طلبه‌ای بوده ۱۵-۱۴ ساله، در سختی و تنگدستی به سر می‌برده است. روزی گرسنگی بر او غلبه می‌کند، مدتی چیزی نخورده بوده، کاری هم از دوری از گناه... حالت ضعف دست می‌افتد. با خود می‌گوید: حال به نماست بمیرم، نوبر حرم و در آن‌جا بمیرم!

با نهایت سختی و دست به دیوار، خود را به حرم رسانده می‌افتد. می‌گوید: دهنشان، خادم آمد گفت: بلند شو! می‌خواهیم در را ببندیم! با سختی فراوان خودم را به حجره رساندم، در بسته بود. قبل از اینکه در را باز کنم آرنجشت شیشه تنگه کردم، دیدم سیبه غیرقصد در حجره است! خدایا، در حجره قفل است. این‌ها را کرکاست!؟

رفتم داخل اتاق، مقداری از آن خوردم، ناگهان دیدم پرده‌ها کنار رفت، حجاب‌های ملکوتی برطرف شد! خلاصه می‌رسد به جایی که مرجع عالی قدر زمان، آیت‌الله العظمی برو جردی گاهی که با ایشان برخورد می‌کردند با احترام بلند ایشان که آن موقع جوانی ۲۷ ساله بود، احوال‌پرسی می‌کردند و می‌فرمودند: آقای آشیخ علی خدمت نمی‌رسیم!

و او در جواب می‌گفت: ان شاءالله خدمت می‌رسم! (یعنی آیت‌الله العظمی برو جردی نهایت توجه و عنایت را به او داشتند و در نظرشان بسیار جلیل القدر بود.)

■ **راهنمای زائر**

از شخصی از دوستان ما که مرد بسیار نازنین و باصفا و بزرگواری است نقل کردند که گفت: یک وقتی تصمیم گرفتم برای زیارت حضرت ثامن‌الحجج(ع) به مشهد مشرف شوم. یک شخصی باغبان ما بود، خواستم خدمتی به او کرده باشم، او را هم دعوت کردم که با ما بیاید و میهمان ما باشد. او هم قبول کرد و مشرف شدیم، اویک مرد روستایی بود و برای اینکه زیارت او صحیح باشد، مراقب بودم در ورود و خروج و خواندن اذن دخول و کیفیت زیارت، او را راهنمایی کنم تا کاری را اشتباه انجام ندهد. وارد حرم که شدیم، بدون اعتنا به من وارد شد و به سوی ضریح مطهر حرکت کرد... دیدم رفت و خود را به ضریح رساند. من هم ناچار به دنبال او رفتم و او را می‌نگریستم که چه می‌کند!

دیدم دارد با حضرت صحبت می‌کند مانند کسی که با شخصی مستقیماً صحبت می‌کند و جواب می‌گیرد. مقداری که گذشت به او گفتم: یا کجاست؟ که می‌زنی؟ گفت: با آقا! گفتم: آقا کجاست؟ گفت: این آقاست، مگر نمی‌بینی؟! تازه فهمیدم عجب، او باید مرا به مشهد بیاورد و راهنمایی کند نه اینکه من او را بیاورم!

■ **همین جا حاجتت را از امام(ع) بگیریم**

خدا رحمت کند، صاحب دلی از دوستان ما در قم بود. گفت: سیدی بود در قم که در جوانی عالم و فاضل بود. علم اگر بدون تقوا باشد، موجب غرور و تکبر می‌شود. مال و ثروت هم همین‌طور است. خلاصه آن سید که در جوانی صاحب فضل و علم بود، مقداری بلندپروازی و تکبر داشت. در همان زمان یک شیخ دیگری بود که در مدرسه فیضیه یا جای دیگر، مقداری کتاب ساملی در دست و عمامه کوچکی هم داشت. پسر آمدتی این شیخ به مشهد مهاجرت کرد؛ اتفاقاً آن سید افتاد همین روز به مشهد مشرف می‌شود. شیخ او را می‌بیند، می‌رود جلو و سلام می‌کند و احوال او را می‌پرسد و می‌گوید: چرا اینجا آمدی؟!

سید می‌گوید: پنج مشکل باطنی دارم؛ آمده‌ام از حضرت رضا(ع) برای حل مشکلم استمداد کنم! شیخ او را به منزلش تعارف می‌کند و می‌گوید: بیا منزل ما یک چایی بخور بعداً برو حرم! او هم قبول می‌کند. ظاهراً مشکلات سید از امور مادی نبوده یک حاجات و مشکلات روحی و قلبی بوده که قابل بیان نبوده است. انسان گاهی نیازها و مشکلاتی دارد که به زبان نمی‌آید؛ دردهایی که در دل باطن است!

پس از صرف چای این شیخ - که شاید اصلاً مورد اعتنای سید نبوده- او به سید نموده و می‌گوید: حالا می‌خواهی بروی و حاجات قلبیات را از حضرت بگیری؟! اگر همین جا از حضرت بگیریم و در همین اتاق بدهیم چطور است؟

سید با تعجب می‌گوید: اینجا؟ مگر می‌شود؟ شیخ می‌گوید: بله که می‌شود. سپس دستش را روی کتف سید می‌گذارد و می‌گوید: «یا اباالحسن یا علی بن موسی الرضا». سید می‌گوید: با این سخن، گویا دو سینه‌ام باران بارید؛ همه مشکلاتم حل شد! پس از آن می‌دید روح او از حضرت تشکر می‌کند! ناقل می‌گوید: آن سید پس از این قضیه از سر و صدا و تکبر و غرور افتاد و متحول شد! بلی، انسان اگر چیزی بفهمد دیگر ادعا و سروصدا ندارد.

نگاهی به زندگی و شخصیت مرحوم آیت‌الله فاطمی‌نیا

عارف شیرین سخن

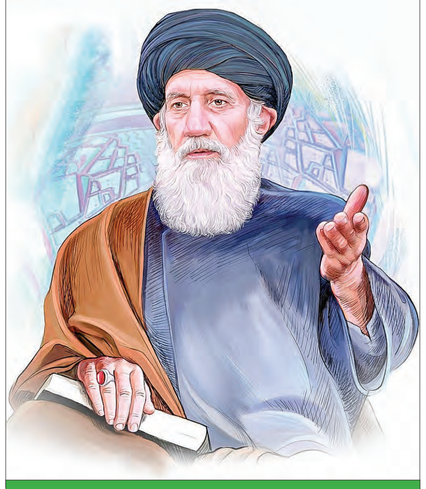

تکوین | علم و عرفان در خانواده فاطمی‌نیا انگار موروثی بود چون استاد ۷۶ یا ۷۷ سال پیش در تبریز و در خانه عالمی اهل عرفان، چشم به جهان باز کرد. پدرش آیت‌الله «حاج سید اسماعیل اصفیایی شندآبادی» که از شهرهای وارسته و سرشناس آذربایجان بود از همان ابتدا تعلیم و تربیت فرزندش «عبدالله» را به عهده گرفت.

مجید تربت‌زاده | مدتی پیش با همان لهجه و لحن دوست‌داشتنی که هیچوقت شیرینی‌اش نه تنهی کمشید برایمان از مرگ گفت: جوری که بفهمیم مردن آن طور که گفته‌اند همیشه و برای همه مساوی با کوتاه شدن دست آدم از حیات و توانایی‌هایش نیست. آیت‌الله فاطمی‌نیا نگاهش به همه پیچیدگی‌های دنیا و عُقبی، عارفانه‌طور و مثل لحن و لهجه‌اش شیرین بود. خطیبی که نه تنها در حرف زدن از زندگی و دشواری‌هایش بلکه حتی وقتی از مرگ سخن می‌گفت، شهد امیدواری و دینداری را به کام مخاطبانش می‌ریخت: «آخیه آدم مادی فکر می‌کنه وقتی مُردیم کار تمام میشه... مردن که تمام شدن نیست... تازه به یک گشایش رسیدنه... از قفس پریدنه. خدا انشاءالله عاقبت ما رو بخیر کنه... آقا... صاحب نفوس مستعده که می‌میرند دستشون از این دنیا بازترم... می‌دونی چرا؟ فرض کنید این مسجد رو الان می‌خوایم نقاشی کنیم، تعمیرات کنیم... بشکه و تخته و سطل می‌گذارن... کسی می‌خواد بیاد جلو، میگن نیاد، اون طرف تر وایستا... اما وقتی این تیر و تخته را بردن بیرون، دستشان بازتر میشه... بنده می‌دانم... یقیناً این طور است؛ آنجا عالم کشف غطاء است. اینجا عالم گرفتاری است...».

■ **پسر کو ندارد...**

علم و عرفان در خانواده فاطمی‌نیا انگار موروثی بود چون استاد ۷۶ یا ۷۷ سال پیش در تبریز و در خانه عالمی اهل عرفان، چشم به جهان باز کرد. پدرش آیت‌الله «حاج سید اسماعیل اصفیایی شندآبادی» که از روحانیون وارسته و سرشناس آذربایجان بود و برای اینکه تعلیم و تربیت فرزندش «عبدالله» را به عهده گرفت. برای اینکه جمله قبلی درباره علم و عرفان موروثی را غلو حساب نکنید، درباره حاج سید اسماعیل بیشتر می‌نویسم.

«سید اسماعیل» مثل بقیه همسن و سالانش، ابتدا در مکتبخانه‌های آن زمان قرآن و خواندن و نوشتن آموخته بود و بعد به حوزه علمیه شهر شبستر رفته و همان جا دروس دینی را تا سطح عالی نزد استادان سرشناسی چون آیت‌الله حاج میرزا کاظم آقا شبستری خوانده بود تا بعد‌ها خودش هم به‌شود از جمله مدرسان سرشناس این حوزه علمیه. آیت‌الله شندآبادی به جز تدریس در امور اجتماعی هم بسیار فعال بود و علاقه خاصی هم به احیای مراکز دینی و فرهنگی که رونق خود را از دست داده بودند، داشت. خلق و خوی نرم و مهربانی‌هایش سبب شده بود نفوذ معنوی بسیاری میان مردم پیدا کند. فرزندش درباره او گفته بود: «پدرم بسیار کریم‌النفس، منیع‌الطبع، سخی، صبور و شجاع بود. در قضای حوائج مؤمنان نکشید... اگر برای یکی از اعضای بدن اتفاقی بیفتد؛ مثلاً دستی بشکند و گچ گرفته شود؛ بعد از یک ماه که آن را باز کنند، آن دست از دست دیگری کمی لاغرتر است؛ چون این یک ماه را کار نکرده است. مغز ما انسان‌ها نیز همین‌طور است، امروز بیماری آلزایمر در کشور زیاد شده که امیدوارم خدا به همه سلامتی بدهد؛ ممکن است بخشی از علت آن هم این باشد که مردم دیگر خیلی به مغزشان زحمت نمی‌دهند... این را باور کنید، بسیاری از حرف‌ها مبتذل شده است، مردم حاضری خود شده‌اند، تلویزیون را بزنند چرتیش ببینند، روزنامه‌ای بخوانند، حرف این و آن را بشنوند؛ اما اگر حتی ۱۰ تا ۲۰ دقیقه منسجم زحمت بکشد، این طور نمی‌شود... مرحوم شهریار در زمان خودش سلطان الشعرا بود، به او رفته بودند دیدنش... اواخر عمر شهریار بود؛ او از شهریار نصیحتی خواستند؛ او گفت: «شعر سوط

به روایت خود

توصیه آیت‌الله فاطمی‌نیا به وعاظ و مداحان چه بود؟

حاصل ۵۰ سال منبر رفتن

پیش از این در گفت‌وگویی گفته بود: «تعارف نداریم، کفگیر ما دارد پواش پواش به ته دیگ می‌رسد، در گذشته مجتهدان روی منبر می‌رفتند، اما امروز...». گوینده این جملات، آیت‌الله فاطمی‌نیا کسی که همه او را به منبرهای سرشار از محبتش می‌شناختند، حالا با رفتنش بیشتر از همیشه معنای این جملات را به ما فهماند تا بدانیم چقدر نسبت به دیروزی که بود و پای منابرش بودیم، دست خالی‌تر شدیم. آنچه در ادامه می‌خوانید گزیده‌هایی از گفت‌وگوی ایشان با خبرگزاری فارس است که در آن مرحوم فاطمی‌نیا توصیه‌هایی را به اهل منبر، هیئت‌های مذهبی و مداحان می‌کند.

■ **تعارف نداریم، کفگیر ما دارد پواش پواش به ته دیگ می‌رسد**

این عالم ربانی در بخشی از سخنانش اشاره داشت: آقا! ببینید تعارف نداریم، کفگیر ما دارد پواش پواش به ته دیگ می‌رسد، در گذشته مجتهدان روی منبر می‌رفتند، اما امروز... آیت‌الله بهجت(ره) درباره محتوای سخنرانی در جلسات عزاداری اشاره داشتند که منبری‌ها از نهج‌البلاغه بگویند، بنده دیدم ایشان درست می‌گویند، ولی اگر بخواهیم نهج‌البلاغه را برای مردم شرح بدهیم، شاید همه مردم متوجه نکات و ظرایف آن نشوند و باید بر اساس عقول مردم با آن‌ها سخن گفت. سخنرانان می‌توانند یک جمله از نهج‌البلاغه، مقداری از قرآن کریم یا فرازهایی از دعای عرفه را محور صحبت‌های خود قرار دهند، در کنار این موارد روضه‌ای هم باشد، یعنی صحبت خشک نتهانباشد.

■ **توصیه‌ای خطاب به مسئولان هیئت‌ها**

این استاد اخلاق در این گفت‌وگو توصیه‌ای خطاب به مسئولان هیئت‌ها داشت: بازتاکید می‌کنم مداح یا سخنران نباید برای اینکه مردم را گریه وادارند، دست و یا بزنند و با گریه عایدم بگذارند، در حالی که گریه دست خداست! خلاصه عرایضم این است که سخنرانان مطالب را کوتاه بگویند. اطاله نکنند تا مردم از جلسات سخنرانی زده شوند.

پیش از این در گفت‌وگویی گفته بود: «تعارف نداریم، کفگیر ما دارد پواش پواش به ته دیگ می‌رسد، در گذشته مجتهدان روی منبر می‌رفتند، اما امروز...». گوینده این جملات، آیت‌الله فاطمی‌نیا کسی که همه او را به منبرهای سرشار از محبتش می‌شناختند، حالا با رفتنش بیشتر از همیشه معنای این جملات را به ما فهماند تا بدانیم چقدر نسبت به دیروزی که بود و پای منابرش بودیم، دست خالی‌تر شدیم. آنچه در ادامه می‌خوانید گزیده‌هایی از گفت‌وگوی ایشان با خبرگزاری فارس است که در آن مرحوم فاطمی‌نیا توصیه‌هایی را به اهل منبر، هیئت‌های مذهبی و مداحان می‌کند.

■ **تعارف نداریم، کفگیر ما دارد پواش پواش به ته دیگ می‌رسد**

این عالم ربانی در بخشی از سخنانش اشاره داشت: آقا! ببینید تعارف نداریم، کفگیر ما دارد پواش پواش به ته دیگ می‌رسد، در گذشته مجتهدان روی منبر می‌رفتند، اما امروز... آیت‌الله بهجت(ره) درباره محتوای سخنرانی در جلسات عزاداری اشاره داشتند که منبری‌ها از نهج‌البلاغه بگویند، بنده دیدم ایشان درست می‌گویند، ولی اگر بخواهیم نهج‌البلاغه را برای مردم شرح بدهیم، شاید همه مردم متوجه نکات و ظرایف آن نشوند و باید بر اساس عقول مردم با آن‌ها سخن گفت. سخنرانان می‌توانند یک جمله از نهج‌البلاغه، مقداری از قرآن کریم یا فرازهایی از دعای عرفه را محور صحبت‌های خود قرار دهند، در کنار این موارد روضه‌ای هم باشد، یعنی صحبت خشک تنهانباشد.

■ **این تجربه کسی است که ۵۰ سال منبر رفته است**

وی افزود: دریک جمع‌بندی برای اهل منبر عرض می‌کنم، دعای عرفه، قرآن، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه را ملاک قرار دهند. این تجربه کسی است که ۵۰ سال منبر رفته است. حال در برخی از مجالس آن، عرصه منبر بگذارد. برخی اشتهندمان وقتی مقام محقق به ایشان عاشق می‌شود، کسر شأنشان می‌دانند در کسوت یک محقق یا به عرصه منبر بگذارد. برخی اشتهندمان وقتی مقام محقق دریافت می‌کنند، کسر شأنشان می‌دانند در کسوت وعاظ و خطابه ظاهر شوند.

حجت‌الاسلام واعظ موسوی از شاخصه‌های علمی آیت‌الله فاطمی‌نیا با برخی شاخصه‌های علمی و اخلاقی آیت‌الله فاطمی‌نیا گفت: خاطرم است از اوایل دهه ۷۰ با ایشان آشنا شدم. نکته‌ای که در همان جلسات اول برایم جلب توجه کرد، اطلاعات بالای علمی ایشان و معنویت آن مرحوم بود. بسیار جذاب، متقن و علمی و از طرفی هم بسیار دلنشین سخنرانی می‌کردند و سخنانشان به جان می‌نشست و بر دلمی‌ها نفوذ می‌کرد. یک نکته بارز در شخصیت ایشان این بود که در عرصه‌های فرهنگی و مذهبی مثل یک کارگاه عمل می‌کرد؛ مثلاً از وهابیونی که متون حدیثی و تاریخی را تحریف و یا کم و زیاد می‌کردند، مهگیری می‌کرد. ایشان نسخه‌های اولیه را می‌یافت و به استاد آن‌ها اثبات می‌کرد در چاپ‌های بعدی آن اثر سرقت شده است.

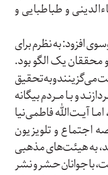

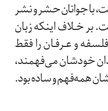

واعظ موسوی با اشاره به اینکه شخصیت‌هایی مثل آیت‌الله فاطمی‌نیا سطح منبر را از حالت عوامانه بالا بردند، گفت: برخی از منبری‌ها و نیز اهل وعظ و خطابه گاهی حرف‌های سست و بستی می‌زنند و هیجان‌مدارانه صحبت می‌کنند. با سنگان سبک و بی‌پایه، مردم را هیجانی می‌کنند. این‌ها به منبر جفامی کنند و در نهایت مورد تمسخر دشمنان قرار می‌گیریم. برای ایشان کسر شأن هم نبود که در کسوت یک محقق یا به عرصه منبر بگذارد. برخی اشتهندمان وقتی مقام محقق به ایشان عاشق می‌شود، کسر شأنشان می‌دانند در کسوت یک محقق یا به عرصه منبر بگذارد. برخی اشتهندمان وقتی مقام محقق دریافت می‌کنند، کسر شأنشان می‌دانند در کسوت وعاظ و خطابه ظاهر شوند.

حجت‌الاسلام واعظ موسوی از سخنرانان وعاظ مذهبی در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم با اشاره به برخی شاخصه‌های علمی و اخلاقی آیت‌الله فاطمی‌نیا گفت: خاطرم است از اوایل دهه ۷۰ با ایشان آشنا شدم. نکته‌ای که در همان جلسات اول برایم جلب توجه کرد، اطلاعات بالای علمی ایشان و معنویت آن مرحوم بود. بسیار جذاب، متقن و علمی و از طرفی هم بسیار دلنشین سخنرانی می‌کردند و سخنانشان به جان می‌نشست و بر دلمی‌ها نفوذ می‌کرد. یک نکته بارز در شخصیت ایشان این بود که در عرصه‌های فرهنگی و مذهبی مثل یک کارگاه عمل می‌کرد؛ مثلاً از وهابیونی که متون حدیثی و تاریخی را تحریف و یا کم و زیاد می‌کردند، مهگیری می‌کرد. ایشان نسخه‌های اولیه را می‌یافت و به استاد آن‌ها اثبات می‌کرد در چاپ‌های بعدی آن اثر سرقت شده است.

واعظ موسوی با اشاره به اینکه شخصیت‌هایی مثل آیت‌الله فاطمی‌نیا سطح منبر را از حالت عوامانه بالا بردند، گفت: برخی از منبری‌ها و نیز اهل وعظ و خطابه گاهی حرف‌های سست و بستی می‌زنند و هیجان‌مدارانه صحبت می‌کنند. با سنگان سبک و بی‌پایه، مردم را هیجانی می‌کنند. این‌ها به منبر جفامی کنند و در نهایت مورد تمسخر دشمنان قرار می‌گیریم. برای ایشان کسر شأن هم نبود که در کسوت یک محقق یا به عرصه منبر بگذارد. برخی اشتهندمان وقتی مقام محقق به ایشان عاشق می‌شود، کسر شأنشان می‌دانند در کسوت یک محقق یا به عرصه منبر بگذارد. برخی اشتهندمان وقتی مقام محقق دریافت می‌کنند، کسر شأنشان می‌دانند در کسوت وعاظ و خطابه ظاهر شوند.

حواشی

دلیل گریه علامه امینی

حجت‌الاسلام واعظ موسوی از شاخصه‌های علمی آیت‌الله فاطمی‌نیا می‌گوید

سطح منبر را ارتقا داد

آیت‌الله فاطمی‌نیا سطح منبر را ارتقاء داد، برای ایشان کسر شأن نبود که در کسوت یک محقق یا به عرصه منبر بگذارد. برخی اشتهندمان وقتی مقام محقق دریافت می‌کنند، کسر شأنشان می‌دانند در کسوت وعاظ و خطابه ظاهر شوند.

حجت‌الاسلام واعظ موسوی از شاخصه‌های علمی آیت‌الله فاطمی‌نیا گفت: خاطرم است از اوایل دهه ۷۰ با ایشان آشنا شدم. نکته‌ای که در همان جلسات اول برایم جلب توجه کرد، اطلاعات بالای علمی ایشان و معنویت آن مرحوم بود. بسیار جذاب، متقن و علمی و از طرفی هم بسیار دلنشین سخنرانی می‌کردند و سخنانشان به جان می‌نشست و بر دلمی‌ها نفوذ می‌کرد. یک نکته بارز در شخصیت ایشان این بود که در عرصه‌های فرهنگی و مذهبی مثل یک کارگاه عمل می‌کرد؛ مثلاً از وهابیونی که متون حدیثی و تاریخی را تحریف و یا کم و زیاد می‌کردند، مهگیری می‌کرد. ایشان نسخه‌های اولیه را می‌یافت و به استاد آن‌ها اثبات می‌کرد در چاپ‌های بعدی آن اثر سرقت شده است.

واعظ موسوی با اشاره به اینکه شخصیت‌هایی مثل آیت‌الله فاطمی‌نیا سطح منبر را از حالت عوامانه بالا بردند، گفت: برخی از منبری‌ها و نیز اهل وعظ و خطابه گاهی حرف‌های سست و بستی می‌زنند و هیجان‌مدارانه صحبت می‌کنند. با سنگان سبک و بی‌پایه، مردم را هیجانی می‌کنند. این‌ها به منبر جفامی کنند و در نهایت مورد تمسخر دشمنان قرار می‌گیریم. برای ایشان کسر شأن هم نبود که در کسوت یک محقق یا به عرصه منبر بگذارد. برخی اشتهندمان وقتی مقام محقق به ایشان عاشق می‌شود، کسر شأنشان می‌دانند در کسوت یک محقق یا به عرصه منبر بگذارد. برخی اشتهندمان وقتی مقام محقق دریافت می‌کنند، کسر شأنشان می‌دانند در کسوت وعاظ و خطابه ظاهر شوند.

حواشی

دعا را برای ترقی بخوانید

آیت‌الله فاطمی‌نیا: «اهل بیت(ع) فرموده‌اند: کاری کنید که قرآن برایتان شیرین بماند؛ دعاهایتان مأنوره بسیار فضائل شیرین بماند! دعاهای مأثوره بسیار فضائل دارد؛ اما اثربخشی آن به میزان هوست است به دوری از گناه... مرحوم پدرم خودش از صلحا و اولیا بود، می‌فرمود: دعاها را برای ترقی بخوانید؛ تولد خودش می‌آید».

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۲ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۹۰۰۰۰۵۵-۳۲۶۰-۹۰۰۰-۱۴۰۱ مورخه ۱۴۰۱/۱/۲۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قاضی تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مجتمع اقتصادی کیمیه امداد امام خمینی استان همدان بشماره شناسه ۱۴۰۰۳۱۹۳۳۷۰ به مساحت ۲۰۰۵۳/۳ مترمربع از پلاک ۹۸ اصلی واقع در بخش بیع همدان حوزه ثبت ملک قاضی تصرف داده‌اند و در صورتی که اشخاص ثبت شده مورد اعتراض اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که دارای اعتبار می‌باشد و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. ۴۰۱۰۱۳۹۱

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۱/۰۲/۱۱ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۱/۰۲/۲۷

سید امین موسوی

رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک قاضین

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۲ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۹۰۰۰۰۵۵-۳۲۶۰-۹۰۰۰-۱۴۰۱ مورخه ۱۴۰۱/۱/۲۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قاضین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مجتمع اقتصادی کیمیه امداد امام خمینی استان همدان بشماره شناسه

الجواد

القصد الی الله تعالی بالقلوب ابلغ من اتعاب الجوارح

به دل آهنگ خدا داشتن، برتر است از خسته کردن جوارح با عبادت.

راهکارهای توسعه انتشارات آستان قدس رضوی در عرصه بین‌الملل

خبر امروز

به همت معاونت بین‌الملل سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی، نشست تخصصی «بررسی راهکارهای توسعه انتشارات آستان قدس رضوی در عرصه بین‌الملل» برگزار می‌شود. دکتر حسن غلامپور؛ نماینده واحد ارتباطات بین‌الملل سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی با اعلام این خبر اظهار کرد: امروزه عرصه ارتباطات از مهم‌ترین خاستگاه‌های جهانی جذب مخاطبان از سوی گروه‌ها و فرقه‌های مختلف است، از همین رو شایسته است دین مبین اسلام با داشتن معارف ناب برگرفته از سرچشمه وحی، گذرگاه‌های ارتباطات را با هدف نشر گسترده این معارف درنوردد. وی حوزه چاپ و نشر را یکی از این گذرگاه‌های مهم ارتباطی ذکر کرد و گفت: به همین منظور نشست تخصصی «راهکارهای توسعه انتشارات آستان قدس رضوی در عرصه بین‌الملل» امروز ساعت ۱۱ تا ۱۳ در سی و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران تدارک دیده شده است. غلامپور ادامه داد: این نشست تخصصی با حضور ناشران و مؤلفان حوزه بین‌الملل و نمایندگانی از کشورهای قطر، عمان، لبنان، عراق، پاکستان، تونس، تاجیکستان و سوئیس در مصلای امام خمینی(ره)- سرای اهل قلم برگزار می‌شود.

علمی فرهنگی

بازدید وزیر فرهنگ لبنان از موزه و کتابخانه رضوی

وزیر فرهنگ کشور لبنان به اتفاق هیئت همراه از موزه‌ها و کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی بازدید کرد.

«محمد وسام المرتضی» در این بازدید ضمن ابراز خرسندی از سفر به مشهد گفت: آنچه در کتابخانه و موزه‌های حرم مطهر رضوی مشاهده کردم انعکاسی از هنر نیمی از جهان بود. دیدن گنجینه‌های متنوع با موضوعات مختلف در موزه‌های آستان قدس رضوی در کنار حظ بصری، معنویت را به انسان القا می‌کند. وی با ابراز شگفتی از تنوع و گستردگی آثار موجود در این مجموعه، به قرآن پنج تفسیر در موزه قرآن اشاره کرد و آن را نمونه‌ای از وحدت میان شیعه و اهل سنت برشمرد.

دقایقی همراه با خادمان خواهر حرم حضرت رضا(ع)

بانوان بلندهمت

صادق ذباح_عکس رضوی

گزیده

خدمت من در بخش انوار است که به آن انوارداری می‌گویند. وظیفه ما این است کتاب‌های دعا و مهرهای نماز را سر جایشان مرتب و تمیز بگذاریم. اوایل کار برایم کمی مشکل بود اما اکنون که چهار سال از خدمتم می‌گذرد عاشق این کار شدم و از خدمتم لذت می‌برم.

طاهره فجر داودلی | از هر ورودی که پا به صحن و سرای حرم آقا بگذاری خدمه‌ای را می‌بینی که در کمال تواضع و با چهره‌هایی بشاش در حال انجام وظیفه‌اند. یکی مأمور انتظامات است و دیگری کفشدار. به گرمی پاسخ سلامت را می‌دهند و حضورت را خوشامد می‌گویند.

برایشان فرقی نمی‌کند که در کجا مشغول خدمت هستند؛ چوب‌پر به دست بگیرند و به زائران خوشامد بگویند و یا در حال جمع‌آوری گرد و غبار یا پوست شکلاتی که احتمالاً از دست کودکی به زمین افتاده. اگر بیرون از این مکان دارای پست و مقامی باشند اما اینجا که می‌آیند کسی برای خود عنوان و سمتی قائل نیست.

«صفیه خانی» از خادمیاران بخش حریم حرم مطهر است و چند سالی است که توفیق خدمت نصیبش شده. او حال و هوای خدمت در حرم مطهر ثامن‌الحجج(ع) را شیرین و لذتبخش توصیف می‌کند و می‌گوید: همان طور که طبیعت نو می‌شود و همه چیز جان دوباره می‌گیرد ما هم نیاز به رشد شخصیتی داریم و حرم بهترین مکان برای رشد معنوی انسان‌هاست. کار من امر به معروف و نهی از منکر و حفظ امنیت بانوان زائر در حرم است. خدمت در این فضا به من کمک می‌کند تا با آگاهی و معرفت به رشد معنوی برسم. این روزها حال خوبی را تجربه می‌کنم و خدا را شکر که دوباره میزبان خیل زیادی از زائران هستیم.

■ **بهترین پاداش خدمت**

به سراغ یکی دیگر از خادمان حرم مطهر می‌رویم و از حال و هوای خدمتگزاری می‌پرسیم. «زیبا سیدمحمدی» که در بخش انتظامات خواهران است، این خدمتگزاری را مرهون لطف و عنایت امام هشتم(ع) می‌داند و می‌گوید: هشت سالی می‌شود که در حرم امام هشتم(ع) در حال خدمت هستم. اما امسال تجربه متفاوت‌تری نسبت به سال‌های گذشته داشتم و بیشتر وقتم را در حرم گذراندم. احساس می‌کنم اینجا خانه خودم است؛ مثل زمانی که در خانه‌ام میهمان دارم و سعی می‌کنم بهترین پذیرایی را از میهمانانم انجام دهم، اینجا هم تلاش می‌کنم به بهترین نحو به زائران خدمت کنم. وقتی در حال خدمت هستم و زائر امام پس از کمک کردن و راهنمایی کردن می‌گوید: «خدا پدر و مادرت را بیامرزد» بهترین پاداش و حس به من منتقل می‌شود.

■ **حضور زائران، نعمت است**

این بانوان با وجود دلمشغولی‌هایی که دارند اینجا که می‌آیند اضطراب و پریشانی را کنار می‌گذارند و با خیالی آسوده خود را وقف زائران این امام مهربان می‌کنند.

«لیلا خداشناس» هم خادمی است که هر هفته از شاندیز به مشهد می‌آید تا در لباس سبز خادمی، خدمتگزار زائران آقا علی بن موسی الرضا(ع) باشد. این بانوی جوان می‌گوید: خدمت من در بخش انوار است که به آن انوارداری می‌گویند. وظیفه ما این است کتاب‌های دعا و مهرهای نماز را سر جایشان مرتب و تمیز بگذاریم. اوایل کار برایم کمی مشکل بود اما اکنون که چهار سال از خدمتم می‌گذرد عاشق این کار شدم و از خدمتم لذت می‌برم. در دو سال گذشته به خاطر کرونا بخش زیادی از کتاب‌های دعا و قرآن‌ها از صحن‌ها و رواق‌ها جمع‌آوری شد اما خوشبختانه با گذر از شرایط سخت کرونا این کتاب‌ها دوباره به قفسه‌ها بازگشتند و زائران و مجاوران می‌توانند از کتاب‌های ادعیه استفاده کنند.

«طیبه مؤمنیان‌زاده» هم از دیگر خادمانی است که کشیک خدمتی‌اش را در بخش کفشداری می‌گذراند. او می‌گوید: شاید شلوغی این روزهای حرم برای خدمت‌رسانی کمی خسته‌کننده به نظر بیاید اما حضور همین زائران برای ما مشهدی‌ها نعمت است. خیلی‌ها آرزوی خدمت در این صحن و سرا را دارند و برای این توفیق لحظه‌شماری می‌کنند. به لطف و مدد همین حضرت که نگاه و عنایاتشان هیچ‌گاه از ما دریغ نشده، دعا می‌کنم به جای ماسک‌های روی صورت میهمانان امام هشتم(ع)، لب‌های همه خندان باشد.

«سیده‌لیلا طهماسبی» هم از خادمان بخش سلامت است. او هم مثل سایر خادمان از حضور دوباره زائران در مشهدالرضا(ع) خوشحال است و می‌گوید: دو سالی می‌شود که به عنوان خادمیار سلامت در حال خدمت‌رسانی به زائران حضرت هستم. کار من توزیع ماسک و محلول پاک‌کننده بین میهمانان امام رضا(ع) است.

به گفته او بهترین لحظه خدمت زمانی است که کودکان مراجعه می‌کنند و با دستان کوچکشان ماسک یا محلول پاک‌کننده می‌خواهند و خوشحالم که می‌توانم این لحظات را با خدمت در حرم مطهر امام هشتم(ع) تجربه کنم و دعا می‌کنم حس خدمت به زائران حضرت نصیب همه بشود.

رواق ۴ قدس

آگهی مزایده اموال منقول وغیر منقول

بموجب رای شماره۱۴۰۰۲۷۳۹۰۰۰۰۴۱۷۶۵۹ صادره از سوی شعبه ۱۰۲ کیفری دادگاه عمومی اسفراین در پرونده کلاسه ۰۰۰۰۳۴۱ آقای ابراهیم ابراهیمی محکوم است بپرداخت دیه بمبلغ ۱۲۰۰۰۰۰۰ تومان در حق شاکی گردیده و با توجه به ابلاغ جهت پرداخت دیه حاضر نشده اتومبیل وانت پیکان مدل ۸۶ رنگ سفید-دوگانه سی ان جی-شاسیجلو خودرگی و جوش کاری شده دارای رنگ بشماره پلاک ۲۶۱ط۵۹ ایران ۲۶ معرفی که وتوسط کارشناس ارزیابی به ارزش پنجاه میلیون تومان قیمت گذاری شده در تاریخ ۱۴۰۱/۳/۲۵ از ساعت ۷/۵ الی ۱۳/۵ صبح در محل دادسرا دفتر اجرای احکام کیفری از طریق مزایده حضوری بفروش میرسد مزایده از قیمت ارزیابی شده شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی واگذاری خواهد شد طالبین به خرید مراجعه تا نسبت به بازدید آنان از اموال توقیف شده داده شود ضمنا حداقل ۱۰٪ ارزیابی مورد مزایده نقدا از برنده وصول خواهد شد. آ-۴۰۱۰۲۱۰۸

دادیار اجرای احکام کیفری اسفراین

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای محسن ولی پور فرزند محمد به شماره شناسنامه ۲۴ و شماره ملی ۰۶۸۲۵۲۷۰۲۵ صادره بجنورد برابر وکالتنامه شماره ۴۶۷۷۷۳ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۸ دفتر خانه ۹ بجنورد بوکالت از تعدادی وراث مرحوم حضرتقلی ولی پور فرزند محمد ولی به شماره شناسنامه ۲۴۲ صادره قریه آبچور باستناد دو برگ استشهاد گواهی امضا شده منضم به تقاضای کتبی جهت دریافت یک برگ سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه کرده و مدعی است سند مالکیت سه دانگ از ششدانگ پلاک ۲۸۸ فرعی از ۱۴۲ اصلی واقع در بخش دو بجنورد به شماره ۲۹۷۳ مورخ ۱۳۱۸/۰۶/۰۴بعلت جابجایی مفقود شده است و بررسی دفتر املاک معلوم شد سند مالکیت اولیه ذیل صفحه ۳۷۹ دفتر املاک جلد ۴ ثبت ۷۲۳ بنام نامبرده فوق صادر و تسلیم گردیده است و دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد لذا طبق ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کسی نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یامدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد بایستی ظرف ده روز از انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را بپیوست اصل سند مالکیت یاسند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر ویا وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد و سند مالکیت اولیه از درجه اعتبار قانونی ساقط است. شناسه آگهی ۱۳۱۷۹۸۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۲/۲۷ آ-۴۰۱۰۲۱۲۳

علیخان نادری- رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک بجنورد

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منطقه دو کرمان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره۱۴۰۰۶۰۳۱۹۰۷۸۰۱۱۶۰۱ هیات دوم مورخه ۱۴۰۰/۱۲/۰۳موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو کرمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای منصور کاکوئی نژاد فرزند جواد بشماره شناسنامه ۱۹ صادره از بردسیر درشدانگ یک باب خانه به مساحت ۱۷۶ مترمربع تحت پلاک ۲۴۷۵۵ فرعی از ۲۷۸۷اصلی بخش ۳کرمان واقع در کرمان بزرگراه امام (ره)کوچه ۵۸سمت چپ منزل ۱۰ خریداری از مالک رسمی آقای حسین بانک توکلی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شناسه آگهی: ۱۳۱۸۵۶۰ آ-۴۰۱۰۲۱۲۷

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۱/۰۲/۲۷ تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۱/۰۳/۱۱

محمود مهدی زاده –رئیس ثبت اسناد واملاک ناحیه ۲شهرستان کرمان

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منطقه دو کرمان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۰۱۶۰۳۱۹۰۷۸۰۰۰۰۲۵۸ هیات دوم مورخه۱۴۰۱/۰۱/۲۰موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو کرمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم حلیمه حسنی کبوترخانی فرزند رضا بشماره شناسنامه ۱۱۳۲ صادره از رفسنجان درشدانگ یک باب خانه مشتمل بر طبقه فوقانی به مساحت ۲۹۹ مترمربع تحت پلاک ۷۰۰۶ فرعی از ۲۷۸۸ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۸۵۳ فرعی از ۲۷۸۸ اصلی بخش۳ واقع کرمان خیابان مالک اشتر کوچه۱۹خریداری از مالک رسمی آقای امان الله عامری محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شناسه آگهی : ۱۳۱۸۵۶۴ آ-۴۰۱۰۲۱۲۸

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۱/۰۲/۲۷ تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۱/۰۳/۱۱

محمود مهدی زاده –رئیس ثبت اسناد واملاک ناحیه ۲شهرستان کرمان

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مانه و سملقان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۷۰۰۴۰۰۰۱۰۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مانه و سملقان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمدحسین ملک نژادفرزندغلامرسول به شماره شناسنامه۶۶۶صادره ازتربت جام دریک قطعه زمین مزروعی پلاک۲۷۵فرعی از۳۴۱اصلی واقع در بخش۵مشهدبرابرگزارش نقشه بردارو کارشناس مساحت ملک ازمقدار۳۰۳۲۴/۶۰مترمربع به مقدار ۳۵۵۱۶مترمربع افزایش داشته است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب دردونوبت بفاصله ۱۵ روزآگهی میشوددرصورتیکه اشخاص نسبت بصدورسندمالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمیتوانندازتاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دوماه اعتراض خودرابه این اداره تسلیم وپس ازاخذرسید ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خودرابه مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکورو عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهدشد. آ-۴۰۱۰۲۱۵۴

تاریخ انتشارنوبت اول:۱۴۰۱،۲،۲۷

تاریخ انتشارنوبت دوم:۱۴۰۱،۳،۱۰

محمدرضارجایی مقدم-رئیس ثبت اسنادواملاک

متقاضی اقای مصطفی بهادری فرزند نورمحمد به شماره شناسنامه ۴۳ و به شماره ملی ۵۲۴۹۷۷۲۲۴۲ صادره از مانه و سملقان در یک باب باغ دیم به مساحت ۱۱۲۸۴ متر مربع در قسمتی از پلاک۱۱– اصلی واقع در اراضی اسلام اباد بخش ۳ مانه و سملقان خریداری از مالک رسمی اقای فتح الله شادلو موضوع پرونده ۱۴۰۱۱۱۴۴۰۷۰۰۴۰۰۰۰۴۴محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پی از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند . بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. آ-۴۰۱۰۲۱۳۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۲/۲۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱

بشیر خانی- رئیس ثبت اسناد و املاک

اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ ائین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۷۰۰۴۰۰۰۱۰۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مانه و سملقان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی اقای مصطفی بهادری فرزند نورمحمد به شماره شناسنامه ۴۳ و به شماره ملی ۵۲۴۹۷۷۲۲۴۲ صادره از مانه و سملقان در یک باب باغ دیم به مساحت ۸۷۸۴ متر مربع در قسمتی از پلاک۱۱– اصلی واقع در اراضی اسلام اباد بخش ۳ مانه و سملقان خریداری از مالک رسمی اقای فتح الله شادلو موضوع پرونده ۱۴۰۱۱۱۴۴۰۷۰۰۴۰۰۰۰۴۵محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پی از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند . بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. آ-۴۰۱۰۲۰۵۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۲/۲۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱

بشیر خانی- رئیس ثبت اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین وتکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۸۶۰۳۰۰۰۱۳۵ مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۱۴ هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک ناحیه ۲ رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض آقای کورش پور توکلی فرزند ابوالحسن به شماره شناسنامه ۱۱۰ صادره ازکیاشهر در قریه شالکو در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احداثی به مساحت ۱۶۰ متر مربع پلاک فرعی ۴۱۳۴۷ از اصلی ۷۷ مفروز مجزی از پلاک ۳۳۰ از اصلی ۷۷ واقع در بخش چهار رشت خریداری از مالک رسمی آقای نصراله کاظمی شالکوهی محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۳۲۸ آ-۴۰۱۰۲۰۵۲

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۱/۰۲/۲۷ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۱/۰۳/۱۱

سعید بدوی- رییس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو رشت

از طرف غفار فرزانه

ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تربت حیدریه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ و برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۰۶۰۰۰۵۷۰ هیات اول موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تربت حیدریه تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای علیرضا محمدی بایزیدی فرزند ولی محمد بشماره شناسنامه ۳۵۵ صادره از تربت حیدریه نسبت به ششدانگ یکدربند مغازه به مساحت ۴۶/۹۰ متر مربع (چهل و شش و نود صدم متر مربع) قسمتی از پلاک ۵۲ فرعی از اراضی شاهده پلاک ۱۲۹اصلی دهستان اربعه واقع در خراسان رضوی بخش یک حوزه ثبت ملک تربت حیدریه خریداری از مالک رسمی ولی محمد محمدی بایزیدی محرز گردیده است . لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کثیرالانتشار در شهر ها منتشر تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند . معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که دراین صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. آ-۴۰۱۰۲۱۳۲

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۱/۰۲ / ۲۷ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۱/۰۳/۱۲

سید امین موسوی

رئیس ثبت اسناد و املاک تربت حیدریه

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای علی اکبر وکیلی نسب برابر تقاضانامه شماره ۳۵۲۵ مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۱ منضم دو برگ گواهی استشهادیه و شهادت شهود تقاضای المثنی نوبت اول را نموده و مدعی است که سند مالکیت ۹۳۶۴۹۹ پلاک ۱۴۵۱ فرعی از ۲۳۴ اصلی بخش ۲ نیشابور به علت جابجایی مفقود گردیده است که به حکایت دفتر املاک سند مالکیت پلاک مزبور ذیل دفترالکترونیک ۱۳۹۷۲۰۳۰۶۰۰۵۰۱۱۸۹۹ سه دانگ مشاع از شش دانگ یک قطعه زمین به استثنای ثمینه عرصه و اعیان به مساحت ۲۴۱،۶ مترمربع به نام علی اکبر وکیلی نسب صادر و تسلیم گردیده است و برابر نقشه شماره ۱۳۹۹۸۵۶۰۶۰۰۵۰۰۲۵۱۱ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۲۹ واحد اجرای اسناد رسمی نیشابور بازداشت گردیده است دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد لذا چنانچه سند مالکیت مفقود بنظر جهت انجام هرگونه معامله ای به آن دفترخانه ارائه گردید از انجام معامله خودداری سند مربوطه را اخذ و جهت ابطال به این اداره ارسال فرمائید. لذا به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی سند مالکیت نزد خود باشد بایستی ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. آ۴۰۱۰۲۱۴۷ م الف ۱۱۸۴

سیدابوالفضل حسینی -مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور

ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تربت حیدریه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ و برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۰۶۰۰۰۵۷۹ هیات اول موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تربت حیدریه تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی خانم مرضیه علی پور فرزند علی اصغر بشماره شناسنامه ۲۵۷۶۰ صادره از تربت حیدریه نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۸/۶۴ متر مربع (هجده و شصت و چهار صدم متر مربع) قسمتی از پلاک ۲۹۱۸ الی ۲۹۲۱ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش یک شهر حوزه ثبت ملک تربت حیدریه خریداری از ورثه مالک رسمی علی اصغر علی پور و سهم الارث متقاضی محرز گردیده است . لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کثیرالانتشار در شهر ها منتشر تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند . معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که دراین صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. آ-۴۰۱۰۲۱۳۸

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۱،۲،۲۷ تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۱،۳،۱۱

رئیس ثبت اسناد و املاک باخرز- هادی رضائی

(آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبت باخرز)

نظر به دستور مواد ۱و۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰،۹،۲۰ املاک متقاضیان که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در بخش ۱۴ باخرز واحد ثبتی شهرستان باخرز مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آن محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی میگردد:

آقای داود دهقان آویانی به شناسنامه شماره ۵۱۰ کد ملی ۰۷۴۸۸۲۷۸۹۷ صادره تایباد فرزند محمد رضا در ششدانگ یکباب ساختمان صنعتی کشاورزی به مساحت ۷۹۳۰ متر مربع پلاک شماره ۵۳ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ باخرز حوزه ثبت ملک باخرز از محل قسمتی از مالکیت محمد رضا اسماعیلی و قسمتی از پلاک کلاسه ۸۶-۱۴۰۰

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیر الانتشار منتشر تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترضین باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارایه حکم قطعی دادگاه است و در صورتیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. آ-۴۰۱۰۲۱۳۶

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۱،۲،۲۷ تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۱،۳،۱۱

رئیس ثبت اسناد و املاک باخرز- هادی رضائی

(آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبت باخرز)

نظر به دستور مواد ۱و۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰،۹،۲۰ املاک متقاضیان که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در بخش ۱۴ باخرز واحد ثبتی شهرستان باخرز مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آن محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی میگردد:

آقای داود دهقان آویانی به شناسنامه شماره ۵۱۰ کد ملی ۰۷۴۸۸۲۷۸۹۷ صادره بالاولایت فرزند محمد رضا در ششدانگ یکباب ساختمان صنعتی کشاورزی به مساحت ۵۹۹،۸۲ متر مربع پلاک شماره ۱۴ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش